



# انترناسیونال ۱۴۵

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۲ تیر ۱۳۸۵، ۲۳ ژوئن ۲۰۰۶

www.m-hekmat.com

سردبیر: محسن ابراهیمی Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

لیست شماره ۳ در پاسخ به فراخوان مالی حزب با تمام توان به یاری حزبتان بشنابید صفحه ۷	مرتضوی یک قاتل است او را دستگیر کنید! صفحه ۶	جمهوری اسلامی باید از آل او اخراج شود نامه شهلا دانشفر به اتحادیه های کارگری صفحه ۵	آنها فقط یک مشت عدد هستند! دنیای توپ گرد فوتبال! در حاشیه رویدادها سیاوش مدرسی صفحه ۸
--	--	---	---

## به استقبال ۱۸ تیر

## روز اعلام موجودیت علنی و توده ای جنبش سرنگونی برویم!

صفحه ۶



مینا احدی

اعتراضی داشتیم که در جریان  
این میتینگ دو بار به مرکز  
صفحه ۴

## لحظه به لحظه در تعقیب مرتضوی دادستان اسلامی تهران

الان نیمه شب جمعه ساعت ۱۲ به وقت اروپا است و تازه از سفر ژنو بازگشته ام. گزارش چند روز فعالیت فشرده برای دستگیری مرتضوی، دادستان اسلامی تهران، گزارش چند روز فعالیت افشاگرانه و اعتراضی و در این میان نمونه ای از سیاستهای بیشرمانه سازمان ملل، احتیاج به وقت و شرایط مناسبتری دارد. من در این لحظات آخر صفحه بندی نشریه انترناسیونال به

### نامه اصغر کریمی

### به سازمانها، نهادها و شخصیت های مدافع حقوق انسان

### درمورد حضور قاتلین جمهوری اسلامی در اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد

صفحه ۴

## تمامی دستگیر شدگان ۲۲ خرداد باید فوراً از زندان آزاد شوند



شهلا دانشفر

صفحه ۳

۲۲ خرداد روزیست که اکنون دیگر به عنوان روز اعتراض به تبعیض و نابرابری و مبارزه برای حقوق برابر زن و مرد، به دیگر روزهای اعتراض عمومی در جامعه ایران، اضافه شده و در تاریخ مبارزات مردم علیه رژیم اسلامی ضد زن در ایران به ثبت رسیده است. سال گذشته در این روز جنبش آزادی زن با حضور

ستون اول

حمید تقوایی

## اجازه نمیدهیم جمهوری اسلامی در نهادهای بین المللی حضور پیدا کند

شرکت فعالین حزب در کنفرانس سازمان جهانی کار (آی.ال.او) فصل تازه ای در تاریخ جنبش کارگری در ایران گشود. برای اولین بار در یک مجمع بین المللی کارگری حکومت جمهوری اسلامی و نمایندگان افشا شدند و خواستها و مطالبات واقعی کارگران ایران از تریبون کنفرانس به گوش همه رسید. بهرام سرور عضو دفتر سیاسی حزب ما از تریبون این کنفرانس اعلام کرد که هیات اعزامی جمهوری اسلامی کارگران ایران را نمایندگی نمیکند بلکه در سرکوب مستقیم کارگران دست داشته اند. او در سخنرانی خود صدای اعتراض و حق طلبی کارگران شرکت واحد، نساجی های کاشان و قزوین، کارگران ماشین سازی ایران خودرو و همه کارگرانی که در صدها کارخانه و مرکز تولیدی هر روز در حال

صفحه ۲

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

## ستون اول

مبارزه هستند را به سمع کنفرانس رساند.

ما مدتهاست این حقیقت را اعلام داشته ایم که جمهوری اسلامی مردم ایران را نمایندگی نمیکند و باید از نهادهای بین المللی اخراج شود. حضور ما در کنفرانس سازمان جهانی کار، محکوم کردن حکومت ضد کارگری جمهوری اسلامی و طرح دردها و مطالبات کارگران ایران در واقع اخراج عملی جمهوری اسلامی از این کنفرانس و نمایندگی شدن کارگران بوسیله حزب طبقاتی خودشان بود. بعد از حضور اعضای حزب در این کنفرانس نمایندگان جمهوری اسلامی حتی جرات نکردند در جلسات کنفرانس حاضر شوند و بجای آنها بهرام سروش پشت میکرفن قرار گرفت و به نمایندگی از کارگران ایران سخن گفت.

این حرکت حزب را باید در امتداد اعتراض موفق کارگران علیه رفسنجانی در استادبوم آزادی در اول مه دو سال قبل، در جریان مضحکه انتخاباتی رئیس جمهوری اسلامی، در نظر گرفت. در آن مورد هم رفسنجانی که به کمک ایادی خانه کارگریش میخواست از تجمع کارگران بعنوان یک پلاتفرم برای تبلیغات انتخاباتی خود استفاده کند حتی جرات نکرد در استادبوم حاضر شود و کارگران معترض با شعارها و فریادهای اعتراضیشان عملاً بساط او را بر هم زدند.

در کنفرانس اخیر آی. ال. او. در ژنو نیز جمهوری اسلامی با ایادی خانه کارگری حضور یافته بود تا حقایق مربوط به زندگی و مبارزات کارگران در ایران را وارونه جلوه بدهد، سرکوبگران کارگران به کنفرانس آمده بودند تا از حقوق کارگر صحبت کنند. این بار برای کارگران این امکان وجود نداشت تا مانند مورد استادبوم آزادی در محل کنفرانس حاضر شوند و بساط جمهوری اسلامی و عوامفریبیهای را در هم پیچند. این وظیفه بعهد حزب کارگران، حزب کمونیست کارگری قرار گرفت تا بر سر هیات نمایندگی جمهوری اسلامی همان بیاورد که بر سر رفسنجانی در استادبوم آزادی آمد.

جمهوری اسلامی و نمایندگان اعزامی اش به کشورهای اروپائی تا کنون چندین بار ضرب شصت حزب را چشیده اند. حضور حزب ما در کنفرانس برلین در سال ۲۰۰۰ برجسته ترین نمونه مقابله حزب ما با ایادی حکومت در خارج کشور است. ما از همان زمان اعلام کرده بودیم که اجازه نمیدهیم عوامل و مقامات جمهوری اسلامی در خارج کشور بساطشان را پهن کنند و برای حکومت منفور خود اعتبار و آبرو بخرند. در کنفرانس برلین مشخصاً این جنبش دو خرداد بود که نقش شماطه گر رژیم آدمکش اسلامی را ایفا میکرد و امروز که خوشبختانه از جمله بخاطر فعالیتهای پیگیر حزب ما دو خرداد ورشکسته شده و توهمی به عوامفریبهای دو خرداد باقی نمانده است، دولت مستاصل احمدی نژاد مستقیماً نقش تشبیت موقعیت حکومت لرزان جمهوری اسلامی در سطح جهانی را بعهد گرفته است. اما در اینجا نیز حکومت با سد حزب روبروست. در آن دوره سیاست ما بازداشتن جمهوری اسلامی از تشبیت خود در خارج کشور و در نزد دولتها و افکار عمومی در سطح جهانی بود و امروز در ادامه همان سیاست مشخصاً طرد جمهوری اسلامی از جامعه جهانی هدف اعلام شده ما است. و این هدف و خواست اکثریت عظیم مردم جان به لب رسیده ایران است. اگر سرکوب و اختناق اجازه میداد کارگران و مردم در خود ایران تریبونها را از دست مقامات و ایادی حکومت در میاوردند و خواستهای واقعی خود را اعلام میکردند. آنچه حزب ما در کنفرانس برلین و در کنفرانس آی. ال. او. انجام داد، در فردائی که بندهای اختناق سست شود در تمام ایران و در یک مقیاس وسیع اجتماعی اتفاق خواهد افتاد. ما به جهانیان اعلام میکنیم که جمهوری اسلامی نه تنها نماینده مردم و هیچ بخشی از جامعه ایران نیست بلکه مورد تنفر اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران است و به همین دلیل نباید بعنوان دولت ایران برسمیت شناخته بشود. ما اعلام میکنیم سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید در تمام کشورها بسته شوند و نمایندگان این حکومت

جانی از همه نهادهای بین المللی اخراج بشود. جای مقامات حکومت اسلامی در پشت میز محاکمه است و نه در کنفرانسه و گردهمایی های بین المللی. اکنون که این سطور را مینویسم حزب ما برای مقابله با حضور سعید مرتضوی قاضی جنایتکار و رسوای جمهوری اسلامی در شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو دست اندر کار سازماندهی یک حرکت اعتراضی گسترده است. ما تلاش خواهیم کرد مرتضوی جلا و هیات همراهش از این کمیسیون اخراج شده و به جرم صدها فقره جنایت علیه مردم ایران دستگیر و محاکمه شوند. زمانی که اندکی بندهای اختناق در ایران سست شود این دادگاهها را خود مردم برپا خواهند کرد و مرتضویها و خامنه ایها و رفسنجانها را به محاکمه خواهند کشید. اما تا آن زمان و برای آنکه هرچه زودتر به چنان روزی برسیم امروز باید جمهوری اسلامی را در سطح جهانی و در نزد افکار عمومی و دولتها و نهادهای بین المللی طرد و منزوی کنیم. حزب ما به نمایندگی از کارگران و زنان و جوانان و اکثریت عظیم مردم ایران به جهانیان اعلام میکند جمهوری اسلامی نماینده مردم ایران نیست و باید رابطه سیاسی و دیپلماتیک همه دولتها با جمهوری اسلامی قطع شود. یک خواست و هدف مشخص جبهه سوم که اخیراً به ابتکار حزب برای مقابله با تروریسم اسلامی و میلیتاریسم آمریکا شکل گرفته است دفاع از مبارزات مردم ایران و برسمیت نشناختن جمهوری اسلامی بعنوان حکومت ایران است. تا کنون ده ها شخصیت و نهاد و سازمان مترقی و آزادیخواه در کشورهای مختلف به این جبهه پیوسته اند و از این خواست حمایت کرده اند. جبهه سوم جبهه مردم متمدن و آزاده جهان در مقابل دنیای سیاهی است که دو قطب تروریستی دوران ما، اسلام سیاسی از یکسو و میلیتاریسم دولت آمریکا و متحدینش از سوی دیگر، برای بشریت معاصر بوجود آورده است. جمهوری اسلامی ستون فقرات اسلام سیاسی و در کانون این کشمکش ارتجاعی است. و به همین اعتبار مبارزه مردم ایران برای سرنگونی این حکومت نقش و ثقل تعیین کننده ای در خلاصی مردم

اطلاعیه شماره ۲

## اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر کارخانه ایران ترانسفو وارد یاز دهمین روز خود شد

همانطور که قبلاً به اطلاع رساندیم از روز شنبه ۲۰ خرداد برابر ۱۰ ژوئن تمامی کارگران و کارکنان کارخانه ایران ترانسفو واقع در ۵ کیلومتری زنجان در تحصن و اعتصاب بسر میبرند. بنا به گزارش رسیده به حزب کمونیست کارگری، تمامی ۳۰۰۰ نفر کارگران و کارکنان ایران ترانسفو به خارج کردن بخشهای توزیع و تولیدات جنبی این کارخانه از زیر پوشش "ایران ترانسفو" و انتقال آنها به یک شرکت جدیدالتاسیس اعتراض دارند و این یکی از موضوعات اصلی اعتراض و اعتصاب کارگران است. کارگران میگویند "چند نفر میخواهند شرکتی به این بزرگی را تکه تکه کنند و کارگران را مثل برده به همراه ماشین الات به شرکت جدید التاسیسی بفرستند که مقرراتش چیزی شبیه برده داری است و نه

جهان از دور باطل و خونبار تقابل میان تروریسم میلیتاریستی دول غربی و تروریسم اسلامی ایفا میکند. حزب ما این حقیقت را در برابر چشم جهانیان قرار داده است و از مردم شریف و آزاده دنیا میخواهد در کنار مردم ایران و در برابر حکومت اسلامی قرار بگیرند. ما تلاش میکنیم به مبارزات مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی ابعادی جهانی ببخشیم و کارگران و زنان و مردان آزادیخواه جهان را برای سرنگونی جمهوری اسلامی بسیج کنیم و بمیدان بیاوریم. مبارزه گسترده ما علیه اعدام و سنگسار و علیه دادگاههای اسلامی و قتلهای ناموسی در دل اروپا و دفاع ما از سکولاریسم و حقوق پناهندگان و حقوق زن و بالاخره تشکیل جبهه سوم و بسیج مردم جهان علیه قطبهای تروریستی در عین نقش موثر و فوری ای که همین امروز در نجات جان انسانها و دفاع از حرمت و شان انسانی در عرصه های مختلف ایفا میکنند حلقه های بهم پیوسته ای از

صفحه ۷

استراتژی بسیج مردم جهان در حمایت از جنبش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی نیز هست. ما میخواهیم دنیا با رژیم آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی همانگونه رفتار کند که با رژیم آپارتاید نژادی آفریقای جنوبی در مقطع انقلاب مردم آن کشور برخورد کرد. یعنی طرد و محکومیت و انزوی بین المللی این حکومت. آنچه ما دیروز در کنفرانس برلین و امروز در کنفرانس سازمان جهانی کار انجام دادیم و فردا در کمیسیون حقوق بشر و همه نهادهای بین المللی که جمهوری اسلامی جرات حضور بخود بدهد به اجرا در خواهیم آورد گامهای مشخصی است که ما را به این هدف و نتیجتاً به سرنگونی حکومت جنایتکار اسلامی هرروز بیشتر نزدیک میکند. هر چه جمهوری اسلامی در سطح جهانی رسواتر و منزوی تر بشود راه سرنگونی این رژیم بدست کارگران و جوانان و زنان در خود ایران سهل تر و هموارتر خواهد شد. \*

## از صفحه ۱ تمامی دستگیر شدگان ...

آشتی دادن زنان با این قانون سراپا ارتجاعی و ضلزن دل خوش کرده بودند، داد. ۲۲ خرداد امسال بار دیگر به صحنه اعتراض انسانهای آزادیخواه علیه نابرابری زن و مرد تبدیل شد. بیوژه ۲۲ خرداد امسال در شرایطی به وقوع می پیوست که ما سالی پر جنب و جوش را در جنبش آزادی زن شاهد بودیم. ما حضور این جنبش را در هشت مارس با شعار زنده باد آزادی زن و شعار آزادی برابری دیدیم. در برپایی با شکوه هشت مارس و رودویی آشکار آن با رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی و نیروهای سرکوبگرش دیدیم. دیدیم که چگونه وسیعتر از هر سال از پارک لاله تهران تا پارک دانشجو مملو از جمعیتی بود که برای بزرگداشت این روز به خیابانها آمده بودند. ما همینطور حضور این جنبش را در اعتراضات دانشجویی و در مبارزه اش علیه به اجرا گذاشته شدن قوانین اسلامی و در مناسبتهای مختلف با شعارهای نه به حجاب و نه به آپارتاید جنسی دیدیم. شعارهایی که رساتر از همیشه در دانشگاهها و در مناسبتهایی چون ۱۶ آذر و غیره فریاد زده شد و بیش از پیش به شعار وسیع مردم تبدیل شد. ما همچنین حضور این جنبش و رادیکالیسم چپ را در شعارها و خواستهایی که در قطعنامه ۲۰ آذر و در قطعنامه های هشت مارس و اول مه و در همه جا طرح گردید دیدیم. جنبشی که با قدرت به جلو می آید. همین جنبش بود که در روز ۲۲ خرداد در میدان هفت تیر تهران به خیابانها آمده بود تا فریاد آزادیخواهی خود را بلند کند. در این روز علیرغم سرکوب و تهدید نیروهای انتظامی، بیش از ۳۰۰۰ نفر از تیپ های مختلف اجتماعی، زن و مرد، پیر و جوان در میدان هفت تیر جمع شده بودند تا این روز را به روز اعتراض علیه نابرابری زن و مرد در جامعه تبدیل کنند. جمعی که از همه بخش های جامعه از کارگر و معلم و دانشجو و غیره را میشد در آنجا دید و فریاد اعتراض را در چهره آنها خواند. این

رودویی شان با نیروهای سرکوبگر این روز را به یک روز بزرگ اعتراض علیه نابرابری زن و مرد تبدیل کردند و به طور واقعی ۲۲ خرداد یک قدرتمندی دیگری از جنبش آزادی زن بود. در اینروز بیش از ۷۰ نفر دستگیر و به زندان اوین انتقال یافتند. و اکنون افراد دستگیر شده هنوز در زندانند.

**دستگیر شدگان ۲۲ خرداد باید فوراً از زندان آزاد شوند**  
۲۲ خرداد تمام نشده است. بیش از ۷۰ نفر در این اجتماع اعتراضی



**تهاجم وحشیانه سرکوبگران حکومت اسلامی به تظاهر کنندگان روز ۲۲ خرداد در تهران**  
این تصویر به روشنی نشان از هراس حکومت اسلامی از زنان و مردانی است که مصممند این رژیم مرتجع و جنایتکار را سرنگون کنند!



**فرانکفورت: تظاهرات علیه سرکوب اعتراضات ۲۲ خرداد در میدان ۷ تیر تهران**

اوین منتقل کردند. اما تجمع کنندگان با باقی ماندن در محل و با بزرگ دستگیر و راهی زندان شده اند. آزادی فوری این دستگیر شدگان آن ۳۰۰۰ نفری که در ۲۲ خرداد در زندان شویم.\*

میدان هفت تیر جمع بودند به چشم خود دیده اند که چگونه این انسانهای آزادیخواه را دستگیر و راهی زندان کردند. باید همه این نیرو را بسیج کرد و در مقابل زندان اوین و دادستانی و در مراکز مختلف دولتی جمع شویم و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط همه افراد دستگیر شده بشویم و تا آزادی این عزیزان به تجمعات اعتراضی خود ادامه دهیم. باید با نامه های اعتراضی مان و با ذکر اسامی تمامی دستگیر شدگان در زیر نامه هایمان، از تمامی نهادها و سازمانهای آزادیخواه در سطح بین المللی بخواهیم که از مبارزات برحق ما حمایت کنند و به کمپین اعتراضی ما برای آزادی فوری و بدون قید و شرط دستگیر شدگان ۲۲ خرداد، بپیوندند و با نامه های اعتراضی خود بر روی جمهوری اسلامی فشار بگذارند. بیوژه اکنون که قرار است اولین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو برگزار شود و سعید مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب تهران و جمال کریمی راد وزیر دادگستری ایران نیز در آن حضور دارند، باید صدای اعتراضمان را از شرکت این جانان جمهوری اسلامی در این اجلاس بلند کنیم و بگوییم که همین ها هستند که حکم دستگیری و بازداشت کارگران، زنان، معلمان، دانشجویان و به زندان کشیدن هر انسان آزادیخواهی را صادر میکنند. همین جانان جمهوری اسلامی هستند که زیر پرده محکومیت زندانیان سیاسی و احکام آنها را امضا میکنند. این ها مستقیماً دستان در جنایات رژیم آلوده است و باید دستگیر و محاکمه شوند. با نامه های اعتراضی مان از تمامی سازمانهای آزادیخواه در سراسر جهان بخواهیم که از خواستهای برحق ما، خواست آزادی فوری تمامی دستگیر شدگان در ۲۲ خرداد، در آذربایجان، در دانشگاهها و منصور اساتلو و تمامی کارگران دستگیر شده حمایت کنند و رساتر از هر وقت خواهان آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی از زندان شویم.\*

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

از صفحه ۱

**لحظه به لحظه ...**

سازمان ملل رفته و نسبت به حضور مرتضوی دادستان اسلامی تهران در شورای حقوق بشر اعتراض کردیم.

شب قبل، خبر رسیده بود که مرتضوی در صدد خارج شدن از ژنو است و همین الان خبر رسید که امروز او و کریمی راد در شهر برن بودند و احتمالاً دولت سوئیس به آنها اعلام کرده است که اقدامات گسترده جهانی برای دستگیری او در جریان است.

دوشنبه ۱۹ ژوئن خبر حضور مرتضوی در شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو به بیرون درز کرد.

این يك دهن کجی آشکار جمهوری اسلامی و يك مماشات وقیحانه از سوی سازمان ملل و دولت سوئیس بود که میزبان این جنایتکاران شده بودند. در يك کنفرانس در مورد حقوق بشر، فردی را شرکت میدهند که اسمش با ترور و قتل و تیر خلاص زدن و تجاوز و حمله به روزنامه ها و تحقیر انسانها، عجین است. مرتضوی يك نام منفور و هراس آور در ایران است و همین فرد به همراه کریمی راد و چند جلاذ جانی حرفه ای دیگر قرار بود در مورد "حقوق بشر" سخنرانی کنند.

به محض شنیدن خبر مذکور، فعالیت‌های ما آغاز میشود. حزب کمونیست کارگری اعلام يك میتینگ میکند و قبل از این میتینگ اعتراضی مجموعه فعالیت‌هایی را باید انجام دهیم و این کار را شروع میکنیم: تماس با سازمان عفو بین الملل سوئیس، خبر دادن این مسئله و دعوت از آنها که اعتراض کنند و در جریان گذاشتن آنها که موضوع بر سر دستگیری این فرد است؛ تماس با سازمان جهانی علیه شکنجه در ژنو، و تقاضای افشاگری کردن و همچنین تقاضای کمک از این سازمان برای راههای قانونی دستگیری مرتضوی، تماس با وزارت امور خارجه سوئیس، تماس با چندین نماینده پارلمان کانادا و اعلام اینکه الان وقت آنست که دولت کانادا خواست دستگیری این فرد را بجرم دست داشتن در قتل زهرا کاظمی مطرح کرده و پیگیری

ما پنجشنبه در ژنو و در مقابل ساختمان شورای حقوق بشر با چند ساعت تظاهرات و مذاکره با یکی از مسئولین سازمان ملل در محل، صدای اعتراض خودمان را به گوش آنها رساندیم و بزودی قرار است با ملاقات با مسئول این شورا، اعتراض رسمی خود را به این رفتار سازمان ملل ابراز کنیم.

در طی سه روز گذشته حزب کمونیست کارگری ایران، با اجرای برنامه زنده در تلویزیون، با دادن اطلاعاتی مطبوعاتی و افشاگری گسترده توانست یکبار دیگر توجه ها را به نقض سیستماتیک حقوق انسانی در ایران جلب کند. حزب در عین حال نشان داد که حضور سران رژیم در خارج با تعقیب و افشاگریهای گسترده ما مواجه خواهد شد و اجازه نخواهیم داد در هیچ کجای جهان این جنایتکاران ابراز وجود کنند. نه تنها این بلکه اینها با اعتراضات گسترده مواجه خواهند شد و مثل مرتضوی مجبور خواهند شد خود را مخفی کنند و یا فرار را بر قرار ترجیح دهند.

دیروز ساعت هفت بعد از ظهر روز پنج شنبه وقتی در قطاری از ژنو به طرف شهر کلن آلمان حرکت میکردم لحظه به لحظه تلفن همراهم زنگ میزد و آخرین اخبار مربوط به فرار مرتضوی و شایعات در مورد وی، فعالیت‌های نهادهای بین المللی، آخرین اقدامات فرزند زهرا کاظمی را می شنیدم و با خود فکر میکردم که قدرت اعتراض ما و انسانهای آزادیخواه و مترقی و سازمانهای مدافع حقوق انسانی یکی از مخوفترین جانیان رژیم اسلامی را به چه روزی انداخته است! یکبار دیگر سران رژیم اسلامی به عینیه می بینند که با چه دریایی از نفرت و انزجار ما مواجه هستند و یکبار دیگر قدرت حزب کمونیست کارگری ایران و مردم مترقی و سازمانهای مدافع حقوق انسانی را می بینند. مرتضوی دیگر جرات نخواهد کرد به بیرون از ایران پا بگذارد و ما کیفرخواست خودمان را پی خواهیم گرفت و اینها را مجبور خواهیم کرد که در دادگاههای بین المللی حاضر شده و محاکمه شوند.\*

**نامه اصغر کریمی****به سازمانها، نهادها و شخصیت های****مدافع حقوق انسان****در مورد حضور قاتلین جمهوری****اسلامی در اجلاس شورای حقوق بشر****سازمان ملل متحد در ژنو**

دهن کجی آشکار به خود میدانند و محکوم میکنند. واقعا شرم آور است که در نهادی که نام حقوق بشر بر خود گذاشته است، چنین جنایتکارانی حضور یافته اند. لازم به توضیح است که دو هفته قبل نیز یکی از عوامل سرکوب و جنایت علیه کارگران ایران از طرف جمهوری اسلامی در کنفرانس آی ال او شرکت کرد که آی ال او تحت فشار مجبور شد از جمهوری اسلامی در مورد سوابق هیئت مربوطه سوال کند و پرونده آنها را مورد بررسی قرار دهد.

مردم زجرکشیده ایران ضمن محکوم کردن شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد بخاطر حضور این جنایتکاران، مصرانه خواهان آن هستند که:

۱- قاضی مرتضوی و جمال کریمی راد توسط دولت سوئیس دستگیر و در دادگاهی عادلانه مجازات شوند.

۲- جمهوری اسلامی از همه مجامع جهانی اخراج شود.

از همه نهادها، سازمانها و مدافعین حقوق بشر انتظار میرود که نسبت به این بی اعتنائی و دهن کجی آشکار به مردم ایران به تندی عکس العمل نشان دهند و از این خواست ها حمایت کنند.

**با احترام**  
**اصغر کریمی**

از طرف حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ ژوئن ۲۰۰۶

**رونوشت:**

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد  
رسانه ها

حضور قاضی سعید مرتضوی دادستان کل تهران همراه با جمال کریمی راد سخنگوی قوه قضاییه بعنوان هیئت جمهوری اسلامی ایران در اولین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تعجب و نفرت همگان را برانگیخته است. سعید مرتضوی یکی از مهره های مهم سرکوب در ایران است. بسیاری از قتل ها و سنگسارها به دستور مستقیم او اجرا شده است، شکنجه و قتل زهرا کاظمی روزنامه نگار شهروند کانادا زیر نظر او انجام گرفت، صدها نفر از دختران و پسران جوان به جرم عدم رعایت حجاب و موازین اسلامی به دستور او دستگیر و شلاق خورده اند، بسیاری از پرونده های زندانیان سیاسی از جمله کارگران شرکت واحد و دانشجویان را او هدایت کرده و بسیاری از روزنامه های مجاز هم بدستور مستقیم او توقیف شده است. قوه قضائیه یکی از ارگانهای مهم تحکیم بندهای اختناق و بیحقوقی مردم است و سعید مرتضوی از سالها قبل رئیس آن بوده است. او یکی از سران رژیم است و در صف اول کسانی است که با سقوط جمهوری اسلامی باید به محاکمه کشیده شوند نه اینکه در يك مجمع حقوق بشر شرکت و اظهار نظر کند.

مردم ایران و همه انسانها و نهادهای آزادیخواهی که در اقصی نقاط جهان حضور این قاتل حرفه ای و همکار جنایتکار دیگرش را، که کاری جز سلب ساده ترین آزادی های مردم ایران در طول سالیان طولانی نداشته اند، در اولین اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد يك

**دفتر مرکزی حزب**

Tel: 0044- 779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

**به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!**

# جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود!

## نامه شهلا دانشفر به سازمانها و اتحادیه های کارگری در سراسر جهان

سازمانی که ظاهراً خود را محافظ حقوق کار در سراسر جهان میدانند، شرم آور است که چشم خود را بر تمامی این حقایق بسته و میزبان جمهوری اسلامی و هیاتش در اجلاس سالانه خود می شود. ما بار دیگر اعلام می داریم که هیات جمهوری اسلامی نباید به سازمان جهانی کار راه داده می شدند. بلکه اینها باید به جرم ۲۷ سال جنایت علیه کارگران و زنان و کل مردم ایران به محاکمه کشیده شوند.

ما ضمن اعتراض مجدد به سازمان جهانی کار بخاطر رودرویی آشکارش با خواست و اعتراض کارگران در ایران، از همه سازمانهای کارگری تقاضا می کنیم:

- ۱- قاطعانه خواهان اخراج جمهوری اسلامی و شوراهای اسلامی و خانه کارگر از سازمان جهانی کار بشوند.
- ۲- هیاتی بی طرف از سوی سازمانهای جهانی کارگری برای رسیدگی به جرائم جمهوری اسلامی در قبال کارگران به ایران اعزام شود.
- ۳- هر گونه تهدید و فشار بر فعالین کارگری در ایران را محکوم کنند.
- ۴- خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت اتوبوسرانی واحد و رفع اتهام از تمام فعالین کارگری شوند.
- ۵- از خواسته های پایه ای کارگران در ایران مانند حق تشکل و اعتصاب و قرارداد دسته جمعی قاطعانه حمایت کنند.

### هماهنگ کننده

کمیته همبستگی بین المللی کارگری  
حزب کمونیست کارگری ایران  
شهلا دانشفر

۲۹ خرداد ۱۳۸۵ - ۱۹ ژوئن ۲۰۰۶

یک میلیون کارگر در ایران که با دستمزدهای پرداخت نشده روبرو هستند، نظیر کارگران نساجی های کاشان و قزوین و غیره، صدای اعتراض علیه اخراج بیش از ۵۰ کارگر ایران خودرو به جرم شرکت در اعتصاب، صدای اعتراض به سرکوب اعتصاب کارگران شرکت واحد و دستگیری بیش از هزار نفر از آنان در اعتصاب ژانویه ۲۰۰۶ و اخراج بیش از ۱۸۰ نفر از آنها بعد از آزاد شدن از زندان، صدای اعتراض به در زندان بودن نزدیک به شش ماه منصور اسانلو و فشار جسمی بیش از حد بر او و نیز صدای اعتراض بر اینکه چگونه محیط های کار در ایران به قتل گاه کارگران تبدیل شده است و نمونه آشکار آن معدن باب نیز در کرمان است که در آن ۹ ماه پیش ۱۱ کارگر صرفاً به خاطر سودجویی کارفرما و خاموش کردن دستگاه تهویه جهت کاستن هزینه های تولید جان خود را از دست دادند و ... و بدین ترتیب این هیات توانست صدای اعتراض تمامی کارگران در ایران را به گوش کارگران در سراسر جهان برساند.

حال بدنبال نامه های اعتراضی به سازمان جهانی کار و بدنبال این حرکت اعتراضی بی سابقه ما، این سازمان از جمهوری اسلامی می خواهد که یک گروه تحقیق و تفحص مستقل برای بررسی اتهامات، تهدیدها و تجاوزات وزارت اطلاعات به فعالان اتحادیه کارگری تشکیل دهد و این کمیته را در جریان نتایج قرار دهد.

اما بطور قطع بر کسی پوشیده نیست که سرکوب، احضار و دستگیری فعالین کارگری و انسانهای معترض در ایران سیاست رسمی خود دولت است. برای

نماینده گی نمیکند، اعلام کرد که او می خواهد از این تریبون صدای کارگران در ایران را به گوش کنفرانس برساند و بر خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار (آی ال او) تاکید گذاشت. او اعلام کرد که آقای عیوضی که میهمان آی ال او است همراه با محبوب دبیرکل خانه کارگر رهبری حمله چماقداران رژیم به دفتر سندیکای کارگران واحد را بعهده داشته است و خانه کارگر و شوراهای اسلامی نه تنها نماینده کارگران ایران نیستند بلکه از عوامل آشکار سرکوب آنها هستند. بهرام سروش در سخنرانی کوتاه خود توانست گوشه کوچکی از کارنامه سیاه جمهوری اسلامی را در مقابل چشمان شرکت کنندگان قرار دهد و سخنان او با استقبال بخش زیادی از نمایندگان کارگری که از کشورهای مختلف آمده بودند روبرو شد.

بدین ترتیب هیات اعزامی از سوی کمیته همبستگی بین المللی کارگری بهرام سروش، فرشاد حسینی، محمود آقایی مقدم، بهزاد صدیق زاده، امید اصلانی و پیمان نجفی هفشجانی توانستند در طول سه روز حضور خود در سالن کنفرانس و در بیرون آن صدای اعتراض کارگران ایران در این کنفرانس را وسیعاً منعکس کنند. این هیات با پخش نامه های کارگران سندیکای واحد، کارگران ایران خودرو و همه کارگرانی که نامه داده بودند و به شرکت هیات ایران در این اجلاس اعتراض داشتند و با پخش اطلاعیه های افشاگرانه کمیته همبستگی کارگری ایران علیه هیات جمهوری اسلامی، بطور واقعی صدای اعتراض همه کارگران در ایران بود: صدای اعتراض بیش از

پخش نامه های اعتراضی کارگران ایران توجه شرکت کنندگان در کنفرانس را به این موضوع جلب کند و با توزیع نشریه انگلیسی "workers in Iran"، (کارگران در ایران)، نشریه کمیته همبستگی بین المللی کارگری که ضمیمه این نامه نیز هست، نشریه ای که حاوی نامه های اعتراضی کارگران از ایران، و نامه اعتراضی ما به سازمان جهانی کار بود، حمایت و توجه بسیاری از نمایندگان کارگری در این اجلاس را به خود جلب کند.

ما همچنین ضمن اطلاعیه ای به گوشه کوچکی از جنایات رژیم اسلامی و موارد نقض آشکار حقوق کارگران در ایران اشاره کردیم و همانجا بر خواست خود برای اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و لغو اعتبار نامه آن در تمامی مراجع بین المللی تاکید گذاشتیم.

در ادامه این حرکت اعتراضی بود که در روز ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) بهرام سروش یکی از اعضای هیات اعزامی ما به همراه سه نفر دیگر از اعضای این هیات که عکس اسانلو و پلاکاردی که بر روی آن شعار اخراج هیات جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار و آزادی فوری منصور اسانلو نوشته شده بود را در دست داشتند، به بالای سن کنفرانس رفتند و بهرام سروش توانست به پشت تریبون برود و بعنوان نماینده واقعی کارگران ایران، صدای اعتراض کارگران شرکت واحد، ایران خودرو، و میلیونها کارگر دیگر در ایران را از این تریبون در سطح جهانی منعکس کند. بهرام سروش در سخنانش اعلام کرد که هیاتی که بعنوان هیات ایران در اجلاس شرکت دارد، به هیچوجه کارگران در ایران را

نود و پنجمین کنفرانس سالانه سازمان جهانی کار "آی ال او" تشکیل شد و باز به روال هر سال هیات اعزامی ایران در ایران اجلاس شرکت داشت. شرکت جمهوری اسلامی رژیم ضدکارگر و ضد انسانی در این اجلاس هر سال از جانب ما و کارگران در ایران مورد اعتراض قرار گرفته است. ما امسال در نامه های متعددی خطاب به سازمانهای بین المللی کارگری و به سازمان جهانی کار خواهان اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان شدیم. و به شرکت این هیات در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار آی ال او اعتراض کردیم. همچنین از سوی کارگران سندیکای شرکت اتوبوسرانی و واحد، کارگران ایران خودرو، جمعی از کارگران شرق تهران، و کارگران انجمن صنفی برق و فلز در کرمانشاه در اعتراض به شرکت نمایندگان شوراهای اسلامی و خانه کارگر به نمایندگی از کارگران در ایران در این اجلاس، نامه های اعتراضی ارسال شد. اما در برابر همه این اعتراضات سازمان جهانی کار شانه بالا انداخته و هیات اعزامی جمهوری اسلامی را در این اجلاس به رسمیت شناخت.

در اعتراض به این موضوع ما به اتفاق فدراسیون پنهانندگان ایرانی در روز ۹ ژوئن به برپایی آکسیون اعتراضی در برابر مقر سازمان جهانی کار "آی ال او" در ژنو، فراخوان دادیم تا صدای اعتراض خود را به سیاست این سازمان در قبال کارگران در ایران بلند کنیم و این اعتراض را در سطح جهان مطرح کنیم. همچنین هیاتی از سوی ما توانست اجازه ورود به اجلاس سازمان جهانی کار را پیدا کند. این هیات توانست با افشاگریهایش و با

## قابل توجه نویسندگان انترناسیونال

**آخرین زمان دریافت مطلب: چهارشنبه ۵ بعد از ظهر بوقت تورنتو**

**حجم مطلب: ۱ صفحه و نیم ۴،۴، فونت ۱۴، فاصله نرمال (word)**

**مطالبی که بعد از این زمان دریافت شوند، در صورت کهنه نشدن موضوع در شماره های بعد مورد استفاده قرار خواهند گرفت.**

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)

سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

آدرس تماس با حزب: [markazi@ukonline.co.uk](mailto:markazi@ukonline.co.uk)

تلفن و فاکس برای تماس با حزب:

Tel: 0044-7950 517 465

Fax: 0044-8701 351 338

## ۱۸ تیر: برای آزادی و برابری، "نه" به جمهوری اسلامی

زیر منگنه فقر و تحریم اقتصادی! نه رژیم اسلامی و راسیسم دولتی می‌خواهیم و نه ناسیونالیسم و نفرت قومی و ملی! نه تکنولوژی و تسلیحات اتمی می‌خواهیم نه جهالت ملی و مذهبی! باید برای آزادی زندانیان سیاسی، لغو آپارتاید جنسی، آزادی و برابری و رفاه به میدان بیاییم! با صدای بلند اعلام کنیم تا جهان فریاد ما را بشنود؛ ما جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم! زندان و شکنجه و اختناق و فقر و فحشا و اعتیاد نمی‌خواهیم! ما به کمتر از آزادی و برابری و جامعه‌ای شایسته انسان رضایت نخواهیم داد! کارگران و مردم جهان باید این جنبش را حمایت کنند! این پیام ۱۸ تیر است که باید روی دوش هشت سال مبارزه

آزادیخواهانه قد علم کند! حزب کمونیست کارگری مردم آزادیخواه را به شرکت گسترده در اجتماعات ۱۸ تیر فرامی‌خواند! در اینروز باید نمایش عظیم همبستگی کارگران و زنان و جوانان و دانشجویان دیوارهای اختناق و ارتجاع را به لرزه در آورد! در اینروز باید صف ارتجاع داخلی و بین المللی را عقب برانیم! ۱۸ تیر روز زمزمه سرود آزادی و برابری است! برای ۱۸ تیر آماده شویم!

**سرنگون باد جمهوری اسلامی آزادی، برابری، حکومت کارگری زنده باد جمهوری سوسیالیستی**

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۳۰ خرداد ۱۳۸۵ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۶

سیاست در ایران بشدت متحول شده است. نه فقط در دانشگاه بلکه در مقیاس جامعه، جنبش مستقل و رو به رشد اعتراضی کارگران، جنبش ضد آپارتاید جنسی، جنبش احقاق حقوق مدنی با پرچم آزادی و برابری به میدان آمد. در سالهای اخیر چپ و اعتراض رادیکال و سوسیالیستی مرتباً پیشروی کرده است و کاراکتر جنبش اعتراضی را منعکس میکنند. آزادی و برابری و رفاه، رهائی از ستم و تبعیض، برابری زن و مرد، حق تشکل و اعتصاب و اجتماع، قطعنامه‌های رادیکال و انسان محور در مناسبتهای شانزده آذر و هشت مارس و اول مه، مخالفت علنی با میلیتاریسم و پروژه اتمی، جملگی از رشد و قوام

یافتن جنبشی سخن می‌گویند که شیپور آن در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ بصدا درآمد. جمهوری اسلامی بیش از هر زمان در منگنه اعتراض رادیکال و عدالتخواهانه کارگران و مردم ایران است و جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه بیش از هر زمان باید نقش سیاسی و موثر خود را ایفا کند. در ۱۸ تیر امسال باید جنبش سرنگونی یک گام بزرگ جلو بردارد. باید دانشجویان پیشرو و کل مردم آزادیخواه در مقابل جمهوری اسلامی و میلیتاریسم و جنگ طلبی و تراشیدن هویت قومی برای مردم قد علم کنند. اعلام کنیم نه جنگ می‌خواهیم نه بمب اتمی! نه حاضریم هزینه جاه طلبی ملی و اسلامی رژیم را بپردازیم و نه نابودی

۱۸ تیر ۱۳۷۸ روز اعلام موجودیت علنی و توده‌ای جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است. ۱۸ تیر ۷۸ به تصویر رایج و قلبی از سیاست ایران خاتمه میدهد. اعلام میکنند که ایران تنها صحنه جدال آخوندهای اهلی و وحشی بر سر بقا حکومتشان نیست، دعوی سیاسی در ایران سه طرف دارد، یک طرف اصلی این جدال مردمی هستند که کل رژیم اسلامی را نمی‌خواهند. ۱۸ تیر نه اعتراض به بستن روزنامه دولتی "سلام"، بلکه آغاز حرکت علنی و گسترده مردم ناراضی و بیجان آمده از حاکمیت جهل و اختناق و واپسگرایی و فقر و فلاکت و محرومیت بود.

از ۱۸ تیر ۷۸ تا امروز

## مرتضوی یک قاتل است، او را دستگیر کنید!

محاکمه کارگران شرکت واحد، به جرم سرکوب مردم و تنگ کردن حلقه اختناق و توقیف بسیاری از روزنامه‌های مجاز داخل کشور، باید دستگیر و محاکمه شوند.

حزب کمونیست کارگری در اعتراض به حضور قاضی مرتضوی و همراهانش در اجلاس شورای حقوق بشر سازمان ملل در ژنو، و همزمان با سخنرانی قاضی مرتضوی، روز پنجشنبه از ساعت ۱۱ تا ۳ بعدازظهر میتینگی در مقابل محل این اجلاس سازمان داده است. حزب کمونیست کارگری همه مخالفین جمهوری اسلامی، همه شاکیان از جمهوری اسلامی و شاکیان از قاضی مرتضوی و جمال کریمی راد را به شرکت فعال و گسترده در این میتینگ فرامی‌خواند!

**تشیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران**  
۳۰ خرداد ۱۳۸۵، ۲۰ ژوئن ۲۰۰۶

**تلفن تماس:**  
احمد مام محمد  
0041765302268

نقض خشن حقوق بشر شریک هستند، در این کنفرانس چکار میکنند؟ قوه قضائیه رژیم اسلامی نهاد رسمی "قضاوت اسلامی" است که یک قلم پرونده آن قتل عام بیش از صد هزار نفر در طول حاکمیت این رژیم جنایتکار است. قاضی مرتضوی یک چهره منفور این دستگاه وحشت رژیم است که مستقیماً در شکنجه و قتل زهرا کاظمی، در سازماندهی خشونت علیه زنان و به شلاق بستن جوانان در خیابانها، در تنگ کردن حلقه اختناق رژیم اسلامی و سرکوب مخالفین نقش کلیدی ایفا کرده است. این دو نفر فوراً و بدون اما و اگر باید دستگیر شوند. نمایندگان رژیم اسلامی نباید در هیچ نهاد بین المللی حق حضور داشته باشند. قاضی مرتضوی و همراهانش به جرم جنایات بیشمار علیه مردم، به جرم شکنجه و قتل زهرا کاظمی، به جرم شرکت مستقیم در سنگسارها و اعدامها و دستگیری‌ها، به جرم دست داشتن در دستگیری و

پنجشنبه در میتینگ حزب کمونیست کارگری در مقابل مقر سازمان ملل در ژنو شرکت کنید روز دوشنبه ۱۹ ژوئن، "شورای حقوق بشر سازمان ملل" طی مراسمی در ژنو با حضور هیئت‌های نمایندگی دولتهای یکصد کشور جهان آغاز بکار کرد. این شورا مدعی است کمیوهای نهاد قبلی یعنی "کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل" را ندارد، کشورهای ناقض حقوق بشر را به عضویت خود در نمی‌آورد و برای گسترش حقوق بشر در جهان تلاش میکند. اما در مراسم افتتاح آن قاضی مرتضوی دادستان کل تهران و کریمی راد سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی حضور دارند! در همین قدم اول، حضور جنایتکاران جمهوری اسلامی در این اجلاس یک افتضاح سیاسی برای سازمان ملل و نهادهای آن میباشد. سوال اینست: نمایندگان رژیم می‌خواهند که ۲۷ است در تروریزه کردن زندگی مردم ایران و کشتار پی در پی مخالفین، سرکوب روزمره مردم و

### تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک‌های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

#### شماره حساب‌ها:

#### انگلیس:

Account nr. 45477981  
Sort code: 60-24-23  
Account holder: WPI  
Branch: wood green  
Bank: Nat West

#### سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60  
صاحب حساب IKK

#### آلمان:

Dariusz safa  
Konto Nr:894922303  
Kredit Institut  
Post bank Hannover  
BLZ:25010030

#### کانادا:

TD Canada Trust  
A. Mikanik  
transit#1672  
Institution#504  
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب‌های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه‌های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

## یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید

## لیست شماره ۳

## در پاسخ به فراخوان مالی حزب با تمام توان به یاری حزبتان بشتابید

کمپین حزب برای جمع آوری ۵۰۰ هزار دلار در ظرف شش هفته وارد سومین هفته خود شد. در سه هفته گذشته جمعاً ۱۴۹۵۰۰ دلار از ایران و سایر کشورها به حساب های حزب واریز شده است. ظرف سه هفته آینده ۳۵۰ هزار دلار دیگر باید جمع آوری شود. لازم به توضیح است که علاوه بر این کمک ها، حدود ۶۰۰۰۰ دلار

نیز تعهد داده شده است.

ضمن قدردانی عمیق از همه دوستانی که به این کمپین پاسخ

مثبت داده اند، از کلیه علاقمندان به

حزب تقاضا میکنیم سراغ دوستان و آشنایانتان در ایران و خارج کشور

بروند و آنها را تشویق به کمک مالی

به حزب کنند.

این حزب کارگران، حزب دشمنان

سرمایه داری، حزب مخالفین حکومت مذهبی، حزب مدافعین برابری زن و مرد، حزب مدافعین آزادی و رفاه و سعادت انسانها است. حزب باید فعالیت های خود را گسترش دهد و به رسانه های بیشتری مجهز شود تا صدای خود را گسترده تر به گوش مردم برساند و این در گرو بهبود وضعیت مالی حزب است. با تمام توان خود به یاری حزبتان بشتابید.

## سوئد

سازمان جوانان کمونیست (گوتنبرگ)	۲۶۰۰	کرون
ستاره ناقلی از جوانان کمونیست	۵۰۰	
هومن صادقی از جوانان کمونیست	۲۰۰۰	
جلال از گوتنبرگ	۱۰۰	
کتایون و فرزانه از گوتنبرگ	۹۰	
شهلا و شراره نوری	۱۰۰۰	
عماد و ریما	۱۵۰۰	
اسماعیل مولودی، شهلا نوری، پروین کابلی	۵۰۰۰	
از طریق عبدالله و شراره	۱۱۵۴	
بختیار	۵۰۰	
بک سرویس	۵۰۰	
بهروز مهر آبادی	۲۰۰	
توسط شهلا نوری از یک دکتر	۴۰۰	
از طریق تشکیلات سوئد	۲۰۰۰۰	
حسن پناهی	۵۰۰۰	
توسط ترگس زنگنه	۳۵۰۰	
توسط سارا نخعی	۱۲۰۰	
از طریق تشکیلات حزب در مالمو	۷۷۰۰	
فاضل نادری	۵۰۰	
واحد حزب و جوانان کمونیست در یوتبوری	۵۲۲۸	
ایرج جعفری	۷۰۰	
نوید مینایی از جوانان کمونیست	۵۰۰	دلار

## آمریکا:

نیما آزاده - دوستدار حزب ۱۰۰۰ دلار

## آلمان

مهین درویشیان	۱۰۰۰	یورو
رابعه اشتا	۵۰۰	
علی مرادی و شهلا خباززاده	۲۰۰	
پروین سلیمی	۵۰	
سهیلا خسروی	۵۰۰	
علی محسنی	۴۰۰	
ایرج فرجاد	۵۰۰	
مینا احدی و محمد آسنگران	۴۵۰۰	
مریم صادقی و جمال خسروی	۳۰۰	
ماشاله موساوند	۲۰۰	

## از صفحه ۲ اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر ترانسفو

و با وعده و وعید و تهدید و تفرقه افکنی تلاش میکنند کارگران را از ادامه اعتراض خود بازدارند. با عزم و اتحاد کارگران، تمام این تلاشهای نتیجه مانده است و کارگران بر خواست خود پافشاری میکنند.

کارگران را مرعوب کنند اما این تلاش به انزوای بیشتر آنها در میان کارگران منجر شده است. بنا به این گزارش هر روز افرادی از دست اندرکاران "حراست" و "وزارت نیرو" استانداری قزوین به کارخانه می آیند

حزب کمونیست کارگری از اعتصاب و تحصن کارگران ایران ترانسفو در اعتراض به تفکیک بخشهای مختلف کارگران و پایین کشیدن استاندارد و شرایط کار به این بهانه، حمایت میکند و همه کارگران و مردم را به پشتیبانی از آنها به هر شکل ممکن فرا میخواند.

همچنین طرح خواست انحلال شوراهای اسلامی یک خواست مهم کارگران است که باید در از جانب تمامی کارگران مورد پشتیبانی قرار گیرد.

## حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ خرداد ۱۳۸۵ - ۲۰ ژوئن ۲۰۰۶



## در حاشیه رویدادها

سیاوش مدرسی



### آنها فقط یک مشت عدد هستند!

تقریباً هیچ رسانه ای نام و مشخصات آنها را اعلام نمی کند. آنها فقط یک مشت عدد هستند که در لابلای اخبار با اغماض بسیار سر شماری میشوند. سرشماری ناقصی که حتی بیلان رقم و تعداد واقعی آنها را بیان نمی کند.

از قربانیان جنگ در عراق در افغانستان، در فلسطین و اسرائیل، در دارفو و دیگر کشورهای افریقا، از هزاران اسیر و ربوده شده در زندانهای گوانتانامو و دیگر زندانهای مخفی هر دو سوی این کشمکش تروریستی سخن میگویم. از کودکانی که به هوای بازی یا رفتن به مدرسه از منزل خارج میشوند و قطعه قطعه میشوند، از زنان و مردانی که هیچ جرمی جز خروج از خانه برای تامین معاش بخور و نمیرشان ندارند و به رگبار بسته میشوند و یا در انفجارها به شنیعترین شکلی قتل میرسند. از اعداد حرف میزنم، از هر عددی که تجسم یک انسان است. انسانی که انگار نام ندارد، هویت ندارد، شغل ندارد، شناسنامه ندارد و در یک کلام هیچ ارزشی برای رهبران و تبهکاران این جنگ سیاه ندارد. ارش هر کدام از آنها از گلوله های شلیک شده از هر دوسوی این جنگ سیاه و خونین تروریستی کمتر است.

به یکی از این آخرین خبرها به نقل از سایت بی بی سی توجه کنید: "در مجموع شش نفر در خانه ای که زرقاوی در آن اقامت داشت در اثر برخورد دو بمب پانصد پوندی هواپیمای آمریکایی کشته شدند.

ژنرال کالدول گفت یک زن و یک کودک در بین کشته شدگان هستند" اما این یک زن و یک کودک چه کسانی بودند؟ هويتشان چیست؟ آیا همکار زرقاوی تروریست بودند؟ چرا کشته شدند؟ این مسئله از نظر سایت بی بی سی که "شدیدا و جداً رسانه ای مستقل!" هم هست بی اهمیت است. نیروهای بریتانیایی کبیر و ایالات متحد آمریکا زرقاوی یکی از تروریستهای دست پرورده

همین دول فخریمه در افغانستان دوران جنگ با نیروهای شوروی را کشتند. زرقای که تا دیروز و در جریان جنگ علیه اشغال افغانستان توسط دولت شوروی، عملیات تروریستی انجام میداد و حتی زنان شهری افغانی را در کابل و هرات میبرد و به مرصراهای های شیوخ میفروخت؛ زرقاوی که آتوزها نامش مجاهد و "قهرمان مبارز در راه آزادی" بود؛ کسی که "میلت بردن" (Milt Bearden) مامور سازمان سیا و سازمانده دستجات تروریستی اسلامی در افغانستان آموزگار عملیاتی او بود؛ "میلت بردن" بی گمان امروز "مشغول" شکار تروریست ها است. غولی که خود از شیشه رهایش ساخته بود؛ غول اسلام سیاسی!

اما این چنین سکوت رسانه ای، سقوط ارزشهای انسانی و اخلاقی خیل روشنفکران و به اصطلاح اندیشه ورزان و ژورنالیست ها و دانشگامیان نوکر صفت شاید در تمام دوران بعد از جنگ دوم جهانی بی نظیر باشد! انسان برای همه اینها بجز ارقامی که گاهی باید به آن اشاره کرد نیستند. جنایت آشکار علیه بشریت را جنگ حق و ناحق اعلام میکنند و وقتی ابعاد فاجعه رسوایی انگیز میشود، بی تفاوتانه شانه بالا می اندازند و شارلاتان وار توجیهات رنگ و رنگ از انبال تئوریکشان صادر میکنند.

اما برای قربانیان جنگ تروریستی چه تفاوت دارد که با گلوله و بمب چه کسانی قطعه قطعه میشوند؟ برای قربانیان این جنگ تروریستی چه تفاوت میکند که فرمانده این جنگ زرقاوی مسلمان بی رحم است یا خامنه ای یا عثامه بن لادن و یا ژنرال کالدول و جورج دبلیو بوش و یا تونی بلر و یا سران دولت اسرائیل؟ حقیقتاً تفاوت چیست؟ گلوله و بمب گلوله و بمب هستند و قربانیان تنها اعدای که گاهی اگر ضرورتی ایجاب کند شمارش میشوند و در بسیار از مواقع حتی بعنوان عدد هم ذکر نمی شوند.

اما دنیای قربانیان و دنیای اعداد همیشه مسکوت باقی نخواهد ماند! وجدانهای آگاه کم نیستند. این انسانهایی که گاهی تنها به عنوان يك عدد از آنها سخن بمیان میروند متعلقین به جبهه سوم این جنگ سیاه و کثیف هستند. این ها قربانیان جبهه ما هستند که هیچ سودی بجز قربانی بودن، در این کشمکش ضد بشری به نصیب نمی بریم. جبهه سوم را باید با تمام قدرت گسترش داد، فعلاً در آن مشارکت کرد. تنها در این صورت است که به در اختیار گیرنده حیات و ممانعت تبدیل میشویم. ما باید خودمان سرنوشت خودمان را به کف بگیریم. ما اکثریتیم و دهکده جهانی اگر وجود دارد به یمن همت و کار ما است. این انگلهای تروریست هستند که باید اعداد زائد در در کره آبی و افسانه ای ما محسوب شوند.

### دنیای توپ گرد فوتبال!

دنیای توپ گرد فوتبال دنیای غربی است! دنیای هیجان میلیونها انسان در سراسر کره زمین، دنیای درآمدهای افسانه ای، دنیای مردمی که در هیجان بازیها میسوزند. اما این دنیای عجیب، تنها دنیای هیجان، کسب درآمد و مال اندوزی نیست. دنیای بشدت سیاسی هم هست. سالانه دولتها میلیونها دلار خرج میکنند تا وطن پرستی و بقول خودشان همبستگی ملی را در جامعه ای که در آن حکم میرانند به اوج برسانند. بازی فوتبال در اوج فراگیری و هیجانش همواره بشدت سیاسی هم هست.

در این میان شرکت تیم ملی فوتبال ایران در بازی های جام جهانی از همه تیمهای دیگر بیشتر سایه سیاست را بر روی خود احساس میکرده. از احمدی نژاد و دولت سیاهش گرفته تا جریانات راسیست و نئو نازیست آلمانی، از وطن پرستان سلطنت طلب تا مجاهدین، از جریانات نئو فاشیست تا خوانندگان نژاد پرست و راست همه و همه در تلاش بودند که مشارکت این تیم در بازی های جهانی را با محاسبات سیاسی و آرمانهای ملی و اسلامیشان ضرب و تفریق کنند و پیروزی تیم فوتبال ایران را پیروزی برای سیاستهای ملیشان اعلام کنند.

اما شکست های پیاپی تیم

فوتبال ایران در بازی های فوتبال جام جهانی ولوله و هیاهوی حسابگرانه وطن پرستان ایرانی با پسوند اسلامی یا بدون پسوند اسلامی را گاهی به سکوتی مرگبار و بعضاً به خشمی لمپنی تبدیل کرده است. پیش از آغاز بازی ها بررسی و نقد فنی تیم ملی ایران تابویی فرض میشد که میباید در مورد آن سکوت شود تا به روحیه بازی کنها صدمه ای نخورد. بهمین خاطر دسته دسته خواننده و نوازنده وارد گود شدند تا ناتوانی ها را با سرودهای غلو آمیز، دست راستی و مشتمز کننده و حتی نژاد پرستانه جبران کنند. نگاهی هرچند گذرا به این مقوله خالی از تفریح هم نیست. بدون اغراق شاید کمتر خواننده معروف، یا کمی معروف یا تاناندازه ای معروف و یا اصلاً گمنامی را پیدا کرد که تعلق به ناسیونالیسم شاهنشاهی، و یا ایرانی - اسلامی داشته باشد و در این مدت کوتاه ترانه ای "افتخار آمیز!" برای تیم فوتبال ایران نسروده باشد.

اما امروز دیگر خواننده ها و ترانه سراها و آهنگ سازانی که عقده های سرکوب شده و افتخارات نداشته و موهومشان را در ترانه هایشان میسروند زانوی غم در بغل گرفته اند. آخر اینها همین چند روز پیش بازیکنان يك تیم فوتبال معمولی يك کشور دیکتاتور زده را "سپاه لشکر شکر"، "بت شکنها"، "صلح طلب هایی که مردی را حریف نمی بینند"، آنها را "شیر مردان نژاد آریا!" میخواندند و علی دایی را کسی که با "عشق علی به زمین میروند و گلهایش را دود از کنده برخواست!" میخواندند. حتی نگار و آرمین ۸ و ۹ ساله را در تهران به خواندن ترانه ای برای قهرمانانی که "دوباره گل میزن!" کشانده بودند.

اینها به میدان آمده بودند تا از جذبه فوتبال و عشق جوانان و مردم ایران به این بازی نهایت استفاده را بکنند. حقیقتاً میشد چیزی بیشتر از این همه تبلیغات کر کننده و این همه سیاست بار يك تیم فوتبال معمولی کرد؟

اما شکست تیم فوتبال ایران تنها هواداران پر شور و بی گناه فوتبال در ایران را افسرده نکرد، تنها خوانندگان و فرصت طلبهای سیاسی را مغموم نکرد، تابو شکسته شد و گفتن و نوشتن و نقد کردن و حتی فحش و فضیحت و خشم علیه تیم ایران را باعث شد.

به ناکهان قهرمان وطن به خائن و پخمه و بی عرضه تبدیل شدند، مربی و علی دایی کاپیتان تیم به جوك و مسخره تبدیل شدند و در این کشمکش دستکم گوشه ای از حقایق پشت پرده، از باند بازی گرفته تا رشوه خوری تا مشکلات، علائق و گرفتاری های بازی کنان بخت برگشته تیم ملی فوتبال ایران را هم برملا کرد، امری که در تمام تیمهای فوتبال جهان معمولی است اما دستکم حریفان تیم فوتبال ایران به بازی هم اهمیت میدهند، کالایشان را مورد پسند میکنند و بعد میلیارها به جیب میزنند و استفاده های سیاسیانشان را میبرند.

به نظر من قبل از ملامت مربی و یا بازیکنان تیم فوتبال ایران باید به شماتت و نقد و ریشخند کردن کسانی پرداخت که، يك تیم فوتبال معمولی را به قهرمانان سیاسی و به ابزاری در راه تحقق اهداف سیخیف ملی - اسلامیش تبدیل میکنند. شکست تیم ملی ایران را نباید تنها به پای بازیکنان و دست اندرکاران تیم گذاشت. تابوی وطن پرستی کاذب را باید به ریشخند گرفت و از صحنه خارج کرد. \*

## تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۹:۳۰ تا ۱۱:۳۰ به وقت تهران

### مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12  
Frequency: 11494  
Symbol Rate: 17469  
FEC: 3/4  
Vertical